

فصلنامه علمی - تخصصی  
مطالعات قرآنی نامه جامعه  
سال بیستم - شماره ۱۴۱  
بهار ۱۴۰۱

## نقد تحلیلی سه شبهه ابن تیمیه درباره شأن نزول آیه «ولایت»

اکرم سادات سیدی<sup>۱</sup>

سید حسین شفیعی دارابی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مهم‌ترین آیات مورد استناد دانشوران شیعی در راستای اثبات امامت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، آیه معروف به آیه «ولایت» است. ابن تیمیه با طرح چندین شبهه کوشیده است تا دلالت این آیه بر امر مذکور را مورد خدشه و انکار قرار دهد. از جمله شبهات طرح شده توسط ابن چهره مشهور اهل سنت، شبهاتی درباره شأن نزول آیه مورد اشاره و قطع ارتباط آن با امامت امام علی علیه السلام است. در این نوشتار - که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با شیوه توصیفی و تحلیلی تدوین یافته است - شاهد نقد تحلیلی این سلسله از شبهات خواهید بود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ابن تیمیه، نخستین کسی است که با صراحت نزول آیه «ولایت» در راستای اثبات امامت امام علی علیه السلام را انکار نموده و مدعی اجماع بر تکذیب آن شده است. با توجه به اینکه جمعی از دانشوران اهل سنت همانند طبری، ابن ابی حاتم رازی و بغوی و... که مورد وثوق ابن تیمیه هستند - درستی شأن نزول مذکور را تأیید کرده‌اند، نادرستی و خلاف اجماع فریقین بودن موضع ابن تیمیه در مورد شأن نزول «آیه ولایت» حقیقتی تردیدناپذیر است. همچنین کثرت روایات دال بر صحت شأن نزول مورد نظر و مستند بودن پاره‌ای از نظرات فقهی برخی فقیهان به آن‌ها، حاکی از حجت و معتبر بودن آن‌هاست. واژگان کلیدی: آیه ولایت، شأن نزول آیه ولایت، شبهات ابن تیمیه درباره شأن نزول آیه ولایت، پاسخ‌های نقضی به شبهه ابن تیمیه، پاسخ‌های حلی به شبهه ابن تیمیه.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی جامعه الزهرا علیها السلام، قم، ایران؛ akramsadat.seyedi@yahoo.com

۲. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکترای تفسیر و علوم قرآنی، هیئت علمی و استادیار جامعه المصطفی علیه السلام، مدیر گروه تفسیر و علوم قرآنی جامعه الزهرا علیها السلام، قم، ایران؛ shafieidarabi@chmail.ir

## مقدمه

اصل «امامت» از جمله اصول کلیدی مذهب شیعه و تمیزدهنده آن از دیگر مذاهب اسلامی است؛ از این رو این مسئله نزد شیعیان از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار است. آنان برای اثبات مدعای خویش به ویژه برای اثبات امامت علی بن ابی طالب علیه السلام، از مفاد جمعی از آیات شریفه و روایات معتبره بهره جسته اند. یکی از مهم ترین و قوی ترین آیات مورد استناد، آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) معروف به «آیه ولایت» است. مفاد روایات متواتر این است که این آیه به دنبال بخشش انگشتر توسط امیرالمؤمنین علیه السلام در رکوع نماز به فردی نیازمند نازل شده است. ابن تیمیه حرانی در کتاب منهج السنه خود (که آن را در پاسخ به سخنان علامه حلی رحمته الله علیه در کتاب منهج الکرامه نگاشته است)، با مطرح کردن چندین شبهه تمامی ادعاهای شیعه از جمله شأن نزول آیه ولایت را مورد تردید و انکار قرار داده است. با توجه به اهمیت مفاد این آیه شریفه و شأن نزول آن در منظومه اعتقادی شیعه و نیز ضرورت زدودن شبهات مربوط، این پژوهش بر آن است که به تحلیل و نقد سه شبهه مطرح شده توسط ابن تیمیه بپردازد؛ چراکه با نفی درستی آن ها، دلالت این آیه بر امامت حضرت علی علیه السلام ثابت و حقایق باور شیعه نیز اثبات می شود.

## پیشینه تحقیق

تعیین شأن نزول آیه «ولایت»، از دیرباز مورد توجه مفسران فریقین بوده است (مرتضوی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۱-۱۷۱ و حکیم باشی، ۱۳۷۴، ص ۸۷-۱۲۴). از تتبع در آثار مفسران فریقین به این نتیجه دست می یابیم که باور تمامی علمای شیعه و جمع چشمگیری از علمای اهل سنت، این است که آیه «ولایت» درباره امام علی علیه السلام نازل شده است. در این میان، تنها اختلافشان در این است که علمای شیعه با در نظر گرفتن شأن نزول آیه و امور پیرامونی آن، بر این باورند که از طریق این آیه می توان امامت امام علی علیه السلام را اثبات کرد و آن حضرت را شایسته برای بر عهده گرفتن این امر مهم دانست؛ ولی برخی علمای اهل سنت ضمن اعتقاد به شأن نزول آیه، منکر دلالت آن بر امامت امام علی علیه السلام هستند.

البته در طول تاریخ تعدادی از علمای اهل سنت به طور کلی منکر شأن نزول مذکور بوده‌اند که اولین آن‌ها احمد بن عبدالحلیم، معروف به ابن تیمیه است (سعدی و قاسمی، ۱۳۹۴، ص ۲۵). ابن تیمیه با بی‌توجهی به اقوال علمای سلف و روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد، با صراحت این شأن نزول را نپذیرفت و ادّعی وجود اجماع بر کذب آن را مطرح کرد (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳). پس از او نیز علمای دیگری از اهل سنت مانند ابن قیم جوزیه - شاگرد ابن تیمیه -، ابن کثیر (ابن کثیر، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۹)، ذهبی (ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۰۵)، ابن حجر هیتمی (هیتمی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۰۵)، احمد محمد شاکر مصری (شاکر، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۵۰) و ناصر القفاری (قفاری، ۱۴۱۵، ص ۸۴۲) نیز منکر این شأن نزول شده‌اند. از دیرباز عالمان شیعه به نقد شبهات طرح شده توسط ابن تیمیه در ذیل آیه «ولایت» پرداخته‌اند؛ از جمله:

۱. کتاب نظرة فی کتاب منہاج السنّة النبویة برگرفته از محتوای سه جلد از کتاب الغدیر، از

علامه شیخ عبدالحسین امینی (متوفای ۱۳۹۰ق)؛

۲. کتاب اکمال المنة فی نقض منہاج السنه، از شیخ سراج‌الدین حسن یمانی مشهور به فدا

حسین هندی (متوفای ۱۳۵۳ق)؛

۳. کتاب منہاج الشریعة فی الرد علی منہاج السنه، از سید محمد مهدی موسوی کاظمی

کشوان قزوینی (۱۲۸۲ - ۱۳۵۸ق)؛

۴. کتاب الامامة الکبری والخلافة العظمی، از سید محمد حسن ابوالمعالی موسوی حائری

قزوینی (۱۲۹۶ - ۱۳۸۰ق).

در سال‌های اخیر نیز شاهد نشر نگاشته‌هایی در این راستا هستیم؛ از جمله:

کتاب محاضرات فی الإعتقادات، از سید علی میلانی. در این کتاب به صورت جامع پیرامون

آیه ولایت و شبهات مربوط به آن بحث شده است.

جلد اول نقد کتاب اصول مذهب الشیعه ناصر القفاری، از سید محمد حسینی قزوینی که

به صورت مبسوط به شبهات و هابیان درباره استدلال شیعه به آیه ولایت پاسخ داده شده است.

مقاله «نقدی بر دیدگاه ابن تیمیه در منہاج السنه درباره آیه ولایت با تأکید بر منابع اهل سنت»



اثر سید مقداد ابراهیمی پاکزاد و عبدالرحمن باقرزاده نیز به این مسئله پرداخته است که در شماره ۲۴ مجله سراج منیر در زمستان ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است.

البته تألیفی که به صورت مستقل فقط به طرح و نقد شبهات ابن تیمیه در شأن نزول آیه ولایت پرداخته باشد، وجود ندارد؛ غیر از مقاله «تعارض نظر ابن تیمیه با نظرات علمای اهل سنت در شأن نزول آیه ولایت»، نوشته احمد سعدی و ابوالفضل قاسمی که در شماره اول مجله سلفی پژوهی و در بهار و تابستان ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است، اما همین مقاله نیز از جامعیت کافی برخوردار نیست. وجود عواملی همچون تداوم طرح شبهات مرتبط با شأن نزول آیه ولایت و جامع و تحلیلی نبودن تحقیقات پیشین در نقد این سلسله از شبهات، موجب شد نوشتار حاضر در قالب و ساختاری جدید و به صورتی جامع، به نقد تحلیلی آن‌ها بپردازد.

### تقریر شبهات ابن تیمیه در راستای نفی شأن نزول آیه «ولایت»

ابن تیمیه در دو نگاهشته معروف خود (منهاج السنه النبویه و مقدمه فی اصول التفسیر)، نزول آیه ولایت در شأن امیرالمؤمنین علی علیه السلام را تکذیب کرده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۰؛ ابن تیمیه، ۱۹۸۰، ص ۳۱-۳۶) و نسبت به روایات همخوان با باور شیعیان در مورد این شأن نزول، به طرح سه شبهه روی آورده است. این شبهات عبارتند از: شبهه در سند روایت شأن نزول آیه ولایت، شبهه در اجماعی بودن روایات حاکی از آن و شبهه در راستای نفی «خاص» بودن مصداق شأن نزول آیه ولایت. در این بخش، در قالب عناوین و مباحث پیش روی، شاهد تبیین و نقد تک تک این شبهات خواهید بود.

### تبیین شبهه اول و دلیل بر آن: اجماع بر تکذیب شأن نزول مقبول در نزد شیعیان

ابن تیمیه در نگاهشته‌های مختلف خویش کوشیده است شأن نزولی را که شیعیان درباره آیه «ولایت» مطرح می‌کنند، دروغ و ناصحیح جلوه دهد. وی رسماً نوشته است: «علی بن ابی طالب هرگز در حال نماز، انگشتر خود را صدقه نداده است» (ابن تیمیه، ۱۹۸۰، ص ۳۱-۳۶). وی ضمن طرح شبهات متعدد درباره آیه ولایت و ارتکاب جسارت‌های مکرر نسبت به شیعیان، احادیث ناظر



بر شأن نزول آیه ولایت درباره صدقه دادن انگشتر توسط حضرت علی علیه السلام در حال نماز را دروغ می‌شمرد و چنین ادعا می‌کند که برخی دروغ‌گویان آن را ساخته‌اند. همچنین وی مدعی است محدثان، بر کذب و جعلی بودن احادیث حاکی از مدلول مذکور اجماع دارند (همان، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۰). وی هنگام مواجه با منطق محکم و دلایل استوار علامه حلی رحمته الله علیه مبنی بر اجماع بر اینکه مراد از «ولی» در آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...» حضرت علی علیه السلام است، این شخصیت شیعی را به تحریف قرآن متهم می‌کند و می‌گوید: «ابن مطهر قرآن را طوری تحریف کرده است که هیچ‌کس مانند او تحریف نکرده است؛ مانند اینکه وی آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...» را ناظر به دادن صدقه (اعطای انگشتر) علی بن ابی طالب در حال نماز دانسته است. این سخن از بزرگ‌ترین ادعاهای دروغین است؛ بلکه اهل علم، بر نفی این شأن نزول و نیز بر دروغ و ساختگی بودن حدیث مربوط به آن اجماع دارند» (همان، ص ۹۰).

### نقد شبهه اول

#### ۱. نقل روایت شأن نزول از طریق صحابه در کتب اهل سنت

نادرستی و دروغ بودن شبهه اول ابن تیمیه حقیقتی غیر قابل تردید است؛ زیرا نه تنها محدثان شیعه به نقل شأن نزول مورد انکار ابن تیمیه پرداخته‌اند؛ بلکه جمع چشمگیری از محدثان اهل سنت نیز در منابع روایی و تفسیری خویش، به نقل این شأن نزول از برخی بزرگان صحابه حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روی آورده‌اند که در ذیل به ذکر سخنان برخی از آنان بسنده می‌شود:

#### الف) روایت علی بن ابی طالب علیه السلام

حاکم حسکانی و برخی دیگر از محدثان اهل سنت به نقل از علی بن ابی طالب علیه السلام آورده‌اند که آن حضرت می‌گوید: بعد از اینکه آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...» بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه‌اش نازل شد، آن حضرت به مسجد آمد و نیازمندی را دید. از او پرسید: «آیا کسی چیزی به تو داد؟» نیازمند با اشاره به علی علیه السلام گفت: «او در حال رکوع، انگشترش را به من داد» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۷۵؛ نیشابوری، ۱۳۹۷، ص ۱۰۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۵۷؛ ابن مغزلی، ۱۴۰۳، ص ۱۱۳؛ متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱۵، ص ۱۴۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۱۹؛ خطیب خوارزمی، ۱۴۱۴، ص ۱۷۹؛ جوینی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۵).

### ب) روایت عمار بن یاسر

در روایتی از عمار نقل شده است: در حالی که علی علیه السلام به انجام نماز مستحبی اشتغال داشت، انگشتر خود را به نیازمند عطا کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله از ماجرا خبردار شد. سپس آیه ﴿لَا تَأْتُوا مَالَكُمْ﴾ نازل شد و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست. پروردگارا! دوست بدار کسی که او را دوست بدارد و دشمن بدار کسی که او را دشمن بدارد» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۷۳؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۶، ص ۱۰۶؛ هیتمی، بی تا ج ۷، ص ۱۷؛ ابن سلیمان، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۸۷).

### ج) روایت انس بن مالک

همچنین از انس بن مالک نقل شده است که سائلی وارد مسجد شد و از مردم درخواست کمک کرد. علی علیه السلام در حال رکوع به مسکین اشاره کرد که بیا و این انگشتر را از دستم بیرون بیاور... (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۶۵ و جوبینی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۵).

### د) روایت ابوذر غفاری

حاکم حسکانی ذیل آیه شریفه «ولایت» در روایتی مفصل همین مطلب را از ابوذر غفاری نقل کرده است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۶۷). نکته شایان توجه اینکه در میان راویان این شأن نزول، چهره‌هایی همچون سلمه بن کهیل (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۱۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۵۷)، عبدالله بن عباس (سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۱۱۹؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۶۱ و ۱۸۱؛ خطیب خوارزمی، ۱۴۱۴، ص ۱۷۷؛ ابن مغازلی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۴)، جابر بن عبدالله انصاری (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۷۴ و ۱۷۷)، عبدالله بن سلام و مقداد بن اسود کندی (محب‌الدین طبری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۲۷؛ قندوزی، ۱۴۱۶، ص ۲۱۸) به چشم می‌خورد.

طبق نقل علامه طباطبایی افزون بر اهل تسنن، علمای شیعه نیز در بسیاری از منابع روایی و تفسیری خود روایات حاکی از این شأن نزول را از سوی بزرگانی از صحابه نقل کرده‌اند. برای مثال شخصیت‌هایی مانند ابن عباس، ابوذر غفاری، عمار یاسر، انس بن مالک، جابر بن عبدالله، سلمه بن کهیل، ابی‌رافع، عمرو بن العاص و نیز امیرالمؤمنین علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام سجاد علیه السلام،

امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام هادی علیه السلام را از راویان شأن نزول این آیه برشمرده‌اند. علامه در ادامه ادعای ابن تیمیه را عجیب می‌شمارد که با وجود نقل روایات حاکی از این شأن نزول در کتب تفسیری خود بدون خدشه در صحت آن و استناد به آن در چند باب مختلف فقهی، باز هم بخواهد آن را انکار کند و انکار خودش را نیز موافق اجماع بدانند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۲۵).

## ۲. وجود اجماع علمای اهل سنت بر نزول آیه ولایت درباره حضرت علی علیه السلام

طرح ادعای اجماع علمای اهل سنت بر جعلی بودن حدیث دال بر نزول آیه ولایت درباره علی بن ابی طالب توسط ابن تیمیه، ادعایی بی پایه و بی اساس است؛ زیرا نه تنها هیچ یک از مفسران و محدثان فریقین چنین ادعایی نکرده‌اند؛ بلکه طبق گفته برخی دانشوران سنی، علما و مفسران اهل سنت نیز بر نزول این آیه درباره علی علیه السلام اجماع و اتفاق نظر دارند؛ از جمله:

الف) متکلم صاحب نام اهل تسنن، قاضی عضدالدین ایجی (م ۷۵۶ق) ذیل آیه ولایت آورده است: «علمای تفسیر اهل سنت اجماع دارند که این آیه هنگام بخشیدن انگشتر امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حال رکوع نماز نازل شده است» (ایجی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۶۰۱).

ب) فقیه، ادیب، متکلم و منطق دان اهل سنت، سعدالدین تفتازانی (م ۷۹۲ق) نیز بر اتفاق و اجماع مفسران درباره نزول آیه «ولایت» درباره علی بن ابی طالب علیه السلام تصریح می‌کند (تفتازانی، ۱۴۰۱ ق ج ۲ ص ۲۸۸).

این دو شخصیت کم نظیر اهل سنت بعد از نقل این اجماع، در رد آن اظهار نظری نکرده‌اند؛ یعنی محتوای آن، برایشان مسلم بوده است. نکته شایان توجه اینکه جُرجانی (علی بن محمد بن علی، مشهور به میر سید شریف، متکلم، منطق دان و ادیب) (شعبان ۷۴۰ - ربیع الثانی ۸۱۶ق) در

۱. اگرچه در برخی نگاشته‌ها، از وی به عنوان عالم حنفی مذهب و اشعری مسلک یاد شده است، ولی قاضی نورالله شوشتری بر پیروی او از مکتب اهل بیت علیهم السلام و مذهب امامیه سخت اصرار می‌ورزد و در این میان برای اثبات این مدعا، شهادت سید محمود نوربخش موسوی (۷۹۵-۸۶۹ق)، شاگرد و معاصر میر سید شریف و محمد بن ابی جمهور احسائی (متوفای حدود ۸۸۰ق) را گواه می‌آورد (قاضی شوشتری، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۲). آغا بزرگ تهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۹ق) نیز در طبقات اعلام الشیعه با اشاره به استدلال قاضی نورالله درباره تشیع جرجانی، امامی بودن وی را مسلم می‌داند و می‌گوید: این مسئله چنان آشکار است که نیازی به اثبات ندارد. وی در ادامه می‌افزاید: آنچه باعث شده است برخی در مورد شیعه بودن میر سید شریف تردید پیدا کنند، این است که شماری از نوادگان او به پیروی از جریان حاکم بر کشور از مذهب اهل سنت پیروی کرده‌اند (آغا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۹۱-۹۰).



شرح مواقف می نویسد: پیشوایان تفسیر اجماع دارند که مقصود از آیه ولایت، علی علیه السلام است؛ زیرا در حال رکوع نماز، سائلی از او درخواست کرد و او هم انگشترش را بخشید (جرجانی، ۱۳۲۵، ج ۸، ص ۳۶۰).

### تبیین شبهه دوم و دلیل بر آن: خدشه در سند نشان نزول مورد قبول شیعیان

ابن تیمیه تنها مستند علامه حلی رحمته الله علیه و شیعیان در باور به نزول آیه «ولایت» در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام را عبارت ثعلبی می داند و معتقد است اجماع اهل علم این است: «افرادی مانند ثعلبی و واحدی (شاگرد ثعلبی) که به نقل روایات دال بر شأن نزول آیه ولایت درباره علی بن ابی طالب در تفسیرهای خود پرداخته اند، دقت علمی کافی نداشته و احادیث جعلی، ضعیف و قوی را با هم نقل نموده اند» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۹۰ و ج ۷، ص ۱۳). همچنین وی حاطب لیل (هیزم کش شب) را به ثعلبی نسبت می دهد (همان، ج ۷، ص ۹ - ۱۰).

او در جایی دیگر ابتدا از افرادی مانند بغوی، طبری، ابن ابی حاتم رازی، ابن حمید و عبدالرزاق به عنوان «عالمان احادیث» یاد نموده و سپس به این نکته اشاره کرده است که آنان حدیثی را که حاکی از شأن نزول آیه ولایت درباره صدقه دادن علی بن ابی طالب در حال نماز باشد، نقل نکرده اند. همچنین وی بغوی را از جمله محدثانی دانسته است که این گونه احادیث جعلی را نقل نمی کند (همان، ج ۲، ص ۹۰). او ضمن ستودن طبری مدعی شده است که تفسیر طبری، صحیح ترین تفسیر در دست مردم است که هیچ بدعتی در آن وجود ندارد و از افراد دروغگو همچون مقاتل و کلبی روایتی در تفسیرش نقل نکرده (ابن تیمیه، ۱۹۸۰، ص ۵۱) و فقط روایت های صحیح و دارای سند معتبر را گردآوری کرده است؛ از این رو احادیث جعلی مانند شأن نزول آیه ولایت در شأن علی علیه السلام در تفسیر ایشان وجود ندارد (همان، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۹۰). درباره عبدالرزاق<sup>۱</sup> نیز آورده است: «با وجود

۱. مقصود از «عبدالرزاق» در عبارت ابن تیمیه، ابوالفضل کمال الدین عبدالرزاق بن احمد بن محمد بن ابی المعالی شیبانی حنبلی بغدادی معروف به ابن فوطی و ابن الصابونی (محررم ۶۴۲ - محرم ۷۲۳ ق/ ژوئن ۱۲۴۴ - ژانویه ۱۳۲۳ م) است که مورخ، ادیب و کاتب و مروزی تبار بوده است (ذهبی، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۱۴۹۳). البته در مذهب و میزان پایبندی وی به احکام شریعت جای گفت و گو است. به گفته مصطفی جواد در مقدمه کتاب تلخیص مجمع الآداب فی معجم الانقلاب، غالباً او را حنبلی دانسته اند (ابن فوطی، ۱۹۶۲، ج ۱، ص ۲۴). قرائن موجود درباره مذهب او، همه مؤید حنبلی بودن او نیست. اگر ذکر ترجمه او در الذیل علی طبقات ابن رجب (ابن رجب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۴۴۷)، دلیل حنبلی بودن او باشد، به گفته مصطفی جواد در مقدمه کتاب الحوادث الجامعة، توجه او به تراجم علمای شافعی را نیز می توان دلیل شافعی بودنش دانست و گفته ابن رجب را در مورد

گرایش وی به تشیع و نقل فضایل علی بن ابی طالب، اما شأن او اجل از این بوده است که این دروغ‌های آشکار را روایت کند» (همان، ج ۲، ص ۹۰).

### نقد شبیه دوم

برای نقد این شبیه با بهره‌گیری از پاسخ‌های نقضی، به ذکر پاسخ‌های حلی پرداخته خواهد شد؛ چرا که در پاسخ‌های نقضی با بهره بردن از امور قطعی یا اعتقادات شبیه‌گر، استدلال شبیه‌کننده فرو می‌ریزد و سپس بستر مناسبی برای ارائه پاسخ‌های حلی آماده می‌شود.

### پاسخ‌های نقضی

#### ۱. تأیید و توثیق ثعلبی در کتب اهل سنت

ابن تیمیه، ثعلبی<sup>۱</sup> را به «جهالت نسبت به صحیح و سقیم بودن روایات» متهم و او را به «حاطب لیل» توصیف می‌کند. چنین تعبیری اصطلاحاً در مورد فردی به کار می‌رود که سخنان خود را بررسی نمی‌کند و شبیه کسی است که در شب هیزم جمع می‌کند و قادر به تشخیص هیزم و غیرهیزم نیست (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۲۲)؛ در حالی که هیچ کس این نسبت را به او نمی‌دهد و حتی در کتبی که توسط دانشمندان اهل سنت درباره علما نوشته شده است، ثعلبی مورد تأیید قرار گرفته و موثق شناخته شده است (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۷۹؛ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۳۰۶؛ سیوطی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷). برای مثال ابن خلکان،<sup>۲</sup> ثعلبی را مفسری یگانه در زمان خودش می‌داند که تفسیرش بر تمام تفسیرهای زمان خودش برتری دارد و از سمعانی نقل می‌کند که ثعلبی، حافظی عالم و موثق بوده است (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۷۹ و ۸۹). سیوطی<sup>۳</sup> نیز او را عالمی چیره‌دست در عربیت

اعتقاد او به عدل، ظاهراً حمل بر معتزلی بودن او کرده‌اند (ابن فوطی، ۱۳۵۱، ص ۱۰). برخی شاگردی او در نزد خواجه نصیرالدین و اخذ حدیث از بسیاری از علمای شیعی و از علویان را دلیل بر تشیع او دانسته‌اند و سید محسن امین ترجمه او را در اعیان الشیعة (الأمین، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۹۵) آورده است.

۱. ابواسحاق احمد بن محمد ثعلبی نیشابوری، مفسر، قاری قرآن، محدث، شاعر، دانشمند شافعی مذهب و زبان‌شناس مسلمان در سده چهارم و پنجم هجری قمری بوده است.

۲. شمس‌الدین ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن ابی‌بکر بن خلکان بن ناوک بن عبدالله بن شاکل بن الحسین بن مالک بن جعفر بن یحیی بن خالد البرمکی الاربلی الشافعی مشهور به ابن خلکان، قاضی، تاریخ‌نگار، فقیه، ادیب و نویسنده سده هفتم هجری بود.

۳. حافظ جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر سیوطی شافعی (۸۴۹-۹۱۱ق) از عالمان اهل سنت و مؤلف آثار بسیار در حدیث،

و حافظی مورد اطمینان دانسته است (سیوطی، ۱۳۹۶، ص ۱۷). ابن جزری<sup>۱</sup> نیز او را مفسری پیشوا و چیره دستی مشهور معرفی کرده است (جزری، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۰۰). بنابراین با وجود این توثیقات، می توان گفت ثعلبی مورد تأیید علمای اهل سنت بوده است و روایات او نیز قابل بررسی و حتی استناد است و حکم به جعلی بودن تمام روایات او تهمتی بیش نیست، اما ابن تیمیه بدون اینکه حدیث او را درباره شأن نزول آیه «ولایت» بررسی کند؛ نسبت «جعل» به آن می دهد.

## ۲. نقل شأن نزول توسط طبری، ابن ابی حاتم و بغوی

ابن تیمیه هنگام طرح شبهه، ابتدا طبری<sup>۲</sup> و ابن ابی حاتم رازی<sup>۳</sup> و بغوی<sup>۴</sup> را از علمای بزرگ حدیث دانسته و سپس مدعی شده است که آنان روایات ضعیفی مثل صدقه دادن علی بن ابی طالب در حال نماز و شأن نزول آیه ولایت در شأن وی را در کتاب هایشان نقل نکرده اند؛ در حالی که محمد بن جریر طبری در تفسیر خود، این حدیث را به پنج طریق (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۸۶) و بغوی نیز این حدیث را از ابن عباس و سدی نقل کرده است (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۷). همچنین ابن ابی حاتم رازی این حدیث را با دو سند از عتبه بن ابی حکیم و سلمة بن کهیل نقل کرده است (ابن ابی حاتم رازی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱۲۴). البته سیوطی به نقل از عبد بن حمید و عبدالرزاق نیز این حدیث را از ابن عباس آورده اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۰۵). حال ابن تیمیه چگونه ادعا کرده است که علمای بزرگی همچون طبری، ابن ابی حاتم رازی، بغوی و... این حدیث را جعلی دانسته و آن را در کتب خویش ذکر نکرده اند؟

تاریخ، تفسیر و علوم دیگر است. وی نویسنده تفسیر مهم الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور و نیز جامع ترین کتاب درباره علوم قرآنی با نام الإئقان فی علوم القرآن است.

۱. شمس الدین ابوالخیر محمد بن محمد بن یوسف جزری (۷۵۱-۸۳۳ق)، مقرئ، محدث و فقیه شافعی است.
۲. ابوجعفر محمد بن جریر بن کثیر بن غالب طبری آملی (۲۲۴-۳۱۰ق)، تاریخ نگار، حدیث شناس، فقیه و تفسیرکننده قرآن در آمل از شهرهای طبرستان (مازندران) به دنیا آمد. جامع البیان عن تأویل القرآن، نخستین تفسیر قرآن است که به همه آیه ها می پردازد. از این رو برخی از آن با نام تفسیر کبیر یاد می کنند و طبری را پدر تفسیر می خوانند.
۳. ابن ابی حاتم عبدالرحمان بن محمد بن ادريس بن منذر تمیمی حنظلی رازی (۲۴۰-۳۲۷ق/۸۵۴-۹۳۸م) از محدثین، فقه و مفسرین شافعی در قرن سوم و چهارم هجری بوده است.
۴. ابومحمد حسین بن مسعود فزاء بغوی شافعی (۴۳۳-۵۱۶ق)، محدث، مفسر، فقیه و مقرر مشهور به «محبی السنة» و «رکن الدین» از علمای قرن پنجم هجری خراسان بزرگ در قریه بغ یا بغشور، سرزمینی بین هرات و مرورود از بلاد خراسان بزرگ به دنیا آمد. در همان جا نشو و نما کرد و به تحصیل اشتغال یافت.

ابن تیمیه که در مقام نقد حدیث حاکی از شأن نزول آیه ولایت، طبری و بغوی را به بهانه عدم نقل آن در کتب خویش مورد تأیید قرار داده و از آن دو به عنوان «علمای بزرگ حدیث» یاد کرده است، اما در ماجرای حدیث انذار، آن دو را به نقل روایت‌های جعلی متهم می‌کند و می‌گوید حدیث انذار در برخی کتب تفسیری نوشته شده است که روایت‌های صحیح را نقل نمی‌کنند و از جمله آن کتب تفسیر ثعلبی، واحدی، بغوی و ابن جریر طبری و ابن ابی حاتم است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۸۰). بنابراین ابن تیمیه با ستودن طبری و بغوی در جایی و نکوهش از آن دو در جای دیگر گرفتار تناقض شده است.

## پاسخ‌های حلی

### ۱. کثرت روایات دال بر صحت شأن نزول در آثار اهل تسنن

ابن تیمیه روایت حاکی از نزول آیه ولایت درباره حضرت علی علیه السلام را فقط مستند به روایتی از ثعلبی و واحدی می‌داند؛ در حالی که برخلاف ادعای وی بسیاری از مفسران اهل سنت مانند سمرقندی (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۰۱)، ابن عطیه آندلسی (ابن عطیه آندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۰۹)، زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۴۹)، فخرالدین رازی (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۲۶)، قرطبی (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۲۲۱)، بیضاوی (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۳۲)، نیشابوری (نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۰۵)، ابوحیان آندلسی (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۰۰)، علاءالدین بغدادی (بغدادی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۷)، جصاص (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۰۲) و سیوطی (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۰۶-۱۰۴) روایت شأن نزول آیه ولایت را نقل کرده و محتوای آن را پذیرفته‌اند. حتی در تفسیر بغوی که ابن تیمیه آن را سالم‌ترین تفسیر از نظر پرهیز از بدعت و احادیث ضعیف می‌داند (ابن تیمیه، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۸)، روایتی از سدی نقل شده است که علت نزول آیه ولایت را درباره علی بن ابی طالب علیه السلام در حال صدقه دادن انگشترش در رکوع می‌داند (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۶۳). همچنین ابن ابی حاتم رازی و طبری که ابن تیمیه مدعی بود چنین روایتی از آن‌ها نقل نشده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۱۱)، در تألیفات خود روایاتی را نقل می‌کنند که مقصود آیه را علی بن ابی طالب علیه السلام معرفی کرده‌اند (رازی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱۶۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۸۷).



نسفی<sup>۱</sup> نیز بعد از اینکه شأن نزول آیه را درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نقل می‌کند، از آن حکم فقهی مبطل نبودن فعل قلیل در نماز را استخراج می‌نماید (نسفی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۹۴). این اثبات حکم فقهی با استفاده از شأن نزول، حاکی از این است که ایشان این روایت را حجت و معتبر دانسته است.

بنابراین بسیاری از مفسران اهل سنت روایت شأن نزول آیه ولایت درباره امام علی علیه السلام را نقل کرده و مفاد آن را پذیرفته‌اند، اما ابن تیمیه از روی عناد و بدون دلیل آن‌ها را دروغ به شمار آورده است. به گفته علامه طباطبایی نادیده گرفتن این همه روایاتی که درباره شأن نزول این آیه وارد شده است، مساوی با چشم‌پوشی از کل تفسیر قرآن است؛ چراکه اگر با این همه روایات نتوانیم اطمینان یابیم، چگونه می‌توانیم به یک یا دو روایتی که در تفسیر هر یک از آیات وارد شده است؛ اطمینان پیدا کنیم؟ بنابراین اگر انسان دچار عناد و لجاجت نباشد، روایات درباره شأن نزول آیه ولایت به اندازه‌ای است که هیچ جایی برای اشکال و تضعیف آن‌ها نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۸).

## ۲. شهرت و کثرت طریق نقل روایت، دلیل و نشانه حجت بودن آن

مبنای علمای رجال اهل سنت این است که اگر روایتی از چند طریق نقل شود، معتبر و حجت است؛ حتی اگر سند صحیحی هم نداشته باشند. بنابراین تعدد طرق روایت، منجر به ضعف آن است (عسقلانی شافعی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۱۶۶؛ الصنعانی الأمیر، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۱؛ الشوکانی، ۱۹۷۳، ج ۱، ص ۵۴). حتی ابن تیمیه تصریح کرده است که نقل روایت از سه طریق، برای اثبات اعتبار و حجیت آن کافی است؛ ولو اینکه هر سه طریق، آن هم از سوی افرادی فاجر و فاسق باشد (ابن تیمیه، ۱۴۲۶، ج ۱۸، ص ۲۶).

با توجه به کثرت و تعدد نقل روایات دال بر ارتباط نزول آیه ولایت با منزلت والا و امامت امام علی علیه السلام می‌توان گفت با فرض اینکه سند روایات حاکی از شأن نزول همخوان با دیدگاه شیعه درباره آیه ولایت ضعیف هم باشد، اما طبق مبنای مشترک علمای فریقین و حتی خود ابن تیمیه

۱. نجم‌الدین ابو حفص عمر نسفی (۴۶۱-۵۳۷ق) فقیه حنفی، اصولی، حافظ، محدث، مفسر، متکلم، ادیب و شاعر، معروف به مفتی الثقلین از این رو که می‌گویند جن و انس از محضرش تعلیم می‌گرفته‌اند. اهل سمرقند بود و در نسف به دنیا آمد و همان جا درگذشت.



درباره اعتبار حدیث مشهور، این تعدد طرق نقل و شهرت روایی موجب اعتبار و حجیت این روایات است. جلال‌الدین سیوطی - از محدثان و مفسران اهل سنت - نیز همانند جمع دیگری از عالمان سنی مذهب، روایت حاکی از شأن نزول آیه ولایت درباره حضرت علی علیه السلام را از طرق مختلف نقل می‌کند و این طرق متعدد را موجب تقویت روایات می‌داند (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۹۳).

### ۳. اثبات حکم فقهی از طریق یک روایت؛ قرینه‌ای بر مقبولیت آن

علمای شیعه و اهل تسنن بر طبق مبانی فقهی خود می‌کوشند احکام فقهی را از منابع اصیل اسلامی استخراج کنند. از این رو حکم فقهی را تنها از منابعی که برایشان مورد پذیرش است، به دست می‌آورند. برخی علمای عامه از احادیثی که درباره حضرت علی علیه السلام در آیه ولایت آمده است، حکم مبطل نبودن عمل قلیل در نماز را استخراج کرده‌اند که از جمله آنان، بیضاوی است. وی در تفسیر آیه ولایت، این واقعه را دلیلی بر باطل نشدن نماز با فعل قلیل می‌داند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۸). نسفی نیز این آیه را دال بر جواز صدقه دادن در نماز می‌داند و معتقد است فعل قلیل، مبطل نماز نیست (نسفی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۹۴). قرطبی نیز ضمن بیان این حکم فقهی از کیه‌راسی،<sup>۱</sup> چنین نتیجه می‌گیرد که مراد از زکات در آیه ولایت، همان صدقه دادن انگشتر است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۲۲۱). بنابراین اثبات و استخراج این حکم فقهی با استفاده از روایات حاکی از شأن نزول مورد بحث، قرینه‌ای بر پذیرش این روایات و حجیت آن‌ها نزد فریقین است.

### ۴. تواتر روایت شأن نزول آیه درباره حضرت علی علیه السلام طبق مبانی اهل تسنن

از جمله مبانی حدیثی اهل سنت این است که اگر روایتی از طریق چهار صحابه نقل شود، متواتر به شمار می‌رود. به همین دلیل ابن حزم اندلسی<sup>۲</sup> بعد از ذکر حدیث «لا تبيعوا الماء؛ آب را نفروشید» می‌گوید: این روایت از چهار نفر صحابی نقل شده است و بنابراین متواتر است و

۱. شمس‌الاسلام عمادالدین ابوالحسن علی کیه‌راسی طبری (۴۵۰-۵۰۴ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر و مدرس، مشهور به عماد طبری یا عمادالدین طبری یا عمادکیا یا عمادالدین کیا و معروف به کیه‌راسی، اهل طبرستان بود و در آنجا به دنیا آمد. وی را تالی و ثانی ابوحامد محمد غزالی، بلکه شایسته‌تر از وی می‌دانند.

۲. ابومحمد علی بن احمد بن سعید ابن حزم (۲۸۴-۴۵۶ق/۹۹۴-۱۰۶۴م)، فقیه، محدث، فیلسوف، عالم ادیان و مذاهب، ادیب و شاعر و یکی از درخشان‌ترین چهره‌های فرهنگ اسلامی در اندلس بوده است. پدرش از بزرگان اهل قرطبه بود و در دولت عامری سمت وزارت را به عهده داشت.

مخالفت با آن روا نیست (ابن حزم اندلسی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۳۵، مسئله ۲۴۱ (کتاب التیمم) و ج ۹، ص ۷، مسئله ۱۵۱۱ (کتاب البیوع)). وی در جایی دیگر روایتی را که از سه نفر از صحابه نقل شود، متواتر می‌داند (همان، ج ۴، ص ۷۴). ابن حجر هیتمی نیز معتقد است: اگر روایتی از طریق هشت نفر نقل شود، متواتر محسوب می‌شود (هیثمی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۹-۶۰). با توجه به این مبنای روایی اهل سنت، اگر حدیثی از طریق سه، چهار و یا هشت نفر روایت شود؛ متواتر است. بنابراین باید به ابن تیمیه گفته شود که طبق نظر خود اهل تسنن روایاتی که شأن نزول آیه ولایت را برای امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده‌اند، متواترند؛ چراکه بیش از ده نفر از صحابه این روایات را نقل کرده‌اند.

#### ۵. عدم نیاز به بررسی سندی با وجود اجماعی و متواتر بودن سند روایت

اهل سنت و حتی وهابیان معتقدند که اگر امری اجماعی شد یا تواتری پیرامون آن صورت گرفت، دیگر نیازی به بررسی سندش نیست. حتی ابن تیمیه تصریح کرده است که اگر کسی روایت متواتر و اجماعی را منکر شود، کافر است (ابن تیمیه، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۹). با توجه به این مبنای روایی اهل سنت، چون روایات مورد بحث متواتر هستند؛ نیازی به بررسی سند ندارند و کسی حق انکار آن روایات را ندارد.

#### ۶. معتبر بودن سند روایت، حاکی از شأن نزول آیه ولایت

افزون بر پاسخ‌هایی که بیان شد، به بررسی سندی یکی از روایات حاکی از شأن نزول آیه «ولایت» مذکور در متون حدیثی و تفسیری اهل سنت - که محتوایش همخوان با دیدگاه شیعه است - می‌پردازیم تا معتبر بودنش ثابت شود و آن، روایتی است که ابن ابی حاتم رازی به نقل آن پرداخته است. وی سند این روایت را چنین نقل کرده است: ابوسعید الأشج ثنا الفضل بن دکین ابونعیم الاحوال، ثنا موسی بن قیس الحضرمی عن سلمه بن كهیل قال (رازی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱۶۲):

۱. نخستین شخص، ابن ابی حاتم است که جایگاه والایی نزد اهل سنت دارد. ذهبی او را زاهد و از ابدال می‌داند و کراماتی را برایش نقل می‌کند (ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۱۳، ص ۲۶۴-۲۶۵ و ۱۴۰۹، ج ۲۴، ص ۲۰۷-۲۰۸).

۲. ابوسعید اشج همان عبدالله بن سعید کندی، از راویان بخاری و مسلم و موثق و مورد قبول اهل تسنن است (عسقلانی شافعی، ۱۴۰۶، ج ۱ ص ۳۰۵).

۳. ابوسعید اشج از فضل بن دکین روایت می‌کند که فضل بن دکین نیز از رجال صحاح شش‌گانه و از بزرگان شیوخ بخاری است (همان، ص ۴۹۷).

۴. موسی بن قیس حضرمی است که به «گنجشک بهشت» ملقب شده و از نظر ابن حجر صادق بوده و نسبت تشیع به او داده شده است (همان، ج ۲، ص ۱۱).

۵. آخرین راوی، سلمة بن کهیل است که او نیز از رجال صحاح سته است (همان، ج ۱، ص ۳۷۸). بنابراین از منظر علمای رجالی اهل سنت، تمام راویان این حدیث معتبر و مورد تأیید آنان هستند، اما ممکن است کسی اشکال کند این روایت به سلمة بن کهیل ختم شده است که از تابعین، و از این رو روایت مرسل است. به این اشکال می‌توان چند پاسخ داد:

الف) اکثر علمای عامه، روایت مرسل تابعی را مطلقاً حجت می‌دانند و به آن عمل می‌کنند (قاسمی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۳۴ و زرکشی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۹۱).

ب) چون این حدیث به سندهای متعدد بیان شده است، مرسله بودنش مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا طرق دیگر این حدیث (که مُسند و غیرمُرسل هستند) آن را تقویت می‌کنند.

### تبیین شبیه سوم و دلیل بر آن: شبیه در خاص بودن مصداق شأن نزول آیه ولایت و تلاش برای توسعه آن

ابن تیمیّه روایتی را از ثعلبی نقل می‌کند که طبق آن، شأن نزول آیه ولایت مربوط به ابابکر است. از طریق ثعلبی و ابن ابی حاتم رازی نیز روایتی را از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند مبنی بر اینکه این آیه، درباره مؤمنان است و وقتی به ایشان عرض شد که مردم می‌گویند این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است؟! آن حضرت فرمود: «علی علیه السلام هم از مؤمنان است». همین معنی را ثعلبی از ضحاک و ابن ابی حاتم رازی از سُدی درباره آیه ولایت نقل کرده‌اند. همچنین روایتی را از ابن ابی حاتم رازی از ابن عباس نقل می‌کند که در آن آمده است: «کل من آمن فقد تولى الله و رسوله و الذین آمنوا؛ هر کس ایمان دارد، خدا و رسول و مؤمنان را به ولایت می‌پذیرد» (ابن تیمیّه، ۱۴۰۶، ج ۲،

ص ۹۰ و ج ۷، ص ۱۳). ابن تیمیة با تمسک به این روایات می‌خواهد خاص بودن شأن نزول آیه ولایت درباره حضرت علی علیه السلام را انکار کند.

### نقد شبهه سوم

#### ۱. خبر واحد بودن روایت دال بر نزول آیه درباره ابوبکر

روایتی که ثعلبی و ابن ابی حاتم رازی از عبدالملک بن ابی سلیمان از امام باقر علیه السلام نقل می‌کنند مبنی بر اینکه آیه ولایت، درباره «ابوبکر» نازل شده است (همان، ج ۷، ص ۱۳)، خبری واحد است و هیچ سند دیگری ندارد و در کتب تراجم و رجال نه از عبدالملک بن ابی سلیمان به عنوان راوی از امام باقر علیه السلام نام برده شده (مزی، ۱۴۰۲، ج ۱۸، ص ۳۲۲) و نه آنکه امام باقر علیه السلام از مشایخ روایی وی شمرده شده است (همان، ج ۲۶، ص ۱۳۸). از طرفی بر فرض صحت روایت، امام باقر علیه السلام هرگز شأن نزول آیه درباره امام علی علیه السلام را انکار نکرده است. همچنین روایت حاکی از صدقه دادن انگشتر توسط ابابکر را مفسران بزرگی مانند طبری و ابن ابی حاتم رازی که از اعتبار بالایی در نزد ابن تیمیة برخوردارند، به صورت ادعایی و در قالب خبر واحد از ثعلبی نقل کرده‌اند. البته نسبت دادن صدقه انگشتر به ابابکر، از عکرمه نیز نقل شده است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۲۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۴۶) که او نیز نزد بزرگان اهل سنت مورد اطمینان نیست (ابوریه، بی‌تا، ص ۳۱۰). بنابراین با توجه به خبر واحد بودن هر یک از این دو روایت، هیچ یک از آن دو توان مقابله با اجماع بر نزول آیه ولایت درباره حضرت علی علیه السلام - که در ضمن نقد شبهه اول به آن توجه داده شده است - را ندارند.

#### ۲. عدم منافات روایت مورد استناد ابن تیمیة با شأن نزول آیه درباره حضرت علی علیه السلام

روایتی که ابن تیمیة از طریق ابن ابی حاتم رازی از ابن عباس نقل کرده است مبنی بر اینکه «هر کس ایمان دارد، خدا و رسول و مؤمنان را به ولایت می‌پذیرد» (ابن تیمیة، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۹۰ و ج ۷، ص ۱۳)، اصلاً ربطی به ادعای وی ندارد؛ چرا که بر فرض صحت حدیث، هرگز ابن عباس در پرتو این روایت در صدد بیان این نیست که ولایت چه مؤمنانی را باید پذیرفت و این مؤمنان چه کسانی

هستند؛ بلکه فقط می‌خواهد اشاره کند هر مؤمنی باید ولایت خدا و رسول و مؤمنان را بپذیرد. البته همان‌گونه که در خلال مباحث پیشین یادآور شدیم - ابن عباس در قالب روایاتی متعدد به نزول این آیه در شأن امام علی علیه السلام تصریح کرده است. این اقدام وی، نشان دهنده آن است که مقصود او از مؤمنانی که ولّی دیگران هستند؛ امیرالمؤمنین علیه السلام است (نجارزادگان، ۱۳۸۱، ص ۶۲).

### نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب ذکر شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که ابن تیمیه نسبت به روایات همخوان با باور شیعیان درباره شأن نزول آیه ولایت، به طرح سه شبهه روی آورده است که عبارتند از: شبهه در سند روایات حاکی از شأن نزول آیه ولایت، شبهه در اجماعی بودن روایات بازگوکننده شأن نزول آیه ولایت و شبهه در خاص بودن مصداق نزول آیه ولایت. از مباحث مطرح شده در خلال این تحقیق مشخص شد شبهه جعلی بودن روایات حاکی از شأن نزول آیه ولایت درباره علی بن ابی طالب علیه السلام، شبهه‌ای بی پایه و بی اساس است؛ زیرا بر اساس اسناد ارائه شده در خلال این نوشته روشن شد که افزون بر محدثان و مفسران شیعه، جمع چشمگیری از عالمان حدیثی و تفسیری اهل سنت نیز بر نزول آیه ولایت درباره علی علیه السلام اجماع دارند. از طرفی افراد مورد وثوق ابن تیمیه همچون طبری، ابن ابی حاتم رازی و بغوی هم این مطلب را ذکر کرده‌اند. همچنین کثرت روایات دال بر صحت شأن نزول از طرق مختلف به ویژه از سوی صحابه و استناد فتوای جواز صدقه در حال نماز توسط برخی از فقها به این روایت، حاکی از حجیت داشتن و معتبر بودن روایات بازگوکننده شأن نزول مورد بحث هستند. از سوی دیگر روایاتی که مصداق شأن نزول آیه ولایت را ابوبکر یا مؤمنان معرفی کرده‌اند، توان مقابله با اجماع بر نزول آیه ولایت درباره حضرت علی علیه السلام را ندارند. بنابراین می‌توان گفت که مجموعه شبهات ابن تیمیه برای نفی و انکار دیدگاه شیعیان درباره شأن نزول آیه ولایت، برخاسته از تعصبات خشک او و عنادش نسبت به اهل بیت علیهم السلام و بی بهره از صبغه علمی و دور از اعتبار است.

## فهرست منابع

### الف) كتاب

١. قرآن كريم.
٢. ابن ابى حاتم رازى، عبدالرحمن، (١٤١٩ق)، تفسير القرآن العظيم، رياض: مكتبة نزار مصطفى الباز.
٣. ابن تيميه حرانى، احمد بن عبدالحليم، (١٤٥٦ق)، منهاج السنة النبوية، قاهره: مؤسسه قرطبة.
٤. ———، (١٤٢٦ق)، مجموع الفتاوى، قاهره: دار الوفاء.
٥. ———، (١٩٨٥م)، مقدمه فى اصول التفسير، بيروت: دار مكتبة الحياة.
٦. ———، (بى تا)، المحلى بالآثار، اصفهان: كتابخانه عمومى زهرائيه نجف آباد.
٧. ———، (بى تا)، كتب و رسائل و فتاوى شيخ الإسلام ابن تيميه، قاهره: مكتبة ابن تيميه.
٨. ابن حجر عسقلانى شافعى، احمد بن على، (١٣٧٩ق)، فتح البارى؛ شرح صحيح البخارى، تحقيق: محب الدين الخطيب، بيروت: دار المعرفة.
٩. ———، (١٤٥٦ق)، تقريب التهذيب، حلب: دار الرشيد.
١٥. ابن حجر هيثمى، احمد بن محمد، (١٤١٧ق)، الصواعق المحرقة على أهل الرضى والضلال والزندقه، بيروت: مؤسسه الرساله.
١١. ———، (بى تا)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون.
١٢. ابن حزم أندلسى، ابو محمد على بن احمد، (١٤١٦ق)، الفصل فى الملل و الأهواء و النحل، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون.
١٣. ابن خلكان، احمد، (١٣٦٤ش)، وفيات الاعيان و ابناء الزمان، بى جا: منشورات الرضى.
١٤. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، (١٤٢٥ق)، ذيل طبقات الحنابلة، الرياض: مكتبة العبيكان.
١٥. ابن سليمان، محمد بن محمد، (١٤١٨ق)، جمع الفوائد من جامع الأصول و مجمع الزوائد، كويت: مكتبة ابن كثير.
١٦. ابن عطيه أندلسى، عبدالحق بن غالب، (١٤٢٢ق)، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز (تفسير ابن عطيه)، قم: دار الكتب العلمية.
١٧. ابن فوطى، عبدالرزاق بن احمد، (١٣٥١ق)، الحوادث الجامعة (الحوادث الجامعه و التجارب النافعه فى المائه السابعه)، بغداد: المكتبة العربية.
١٨. ———، (١٩٦٢م)، تلخيص مجمع الاداب فى معجم الالقاب، دمشق: وزارة الثقافة و الارشاد القومى.
١٩. ابن كثير، اسماعيل بن عمرو، (١٤٥٩ق)، البداية و النهاية، بيروت: مكتبة المعارف.
٢٥. ابن مغازلى، على بن محمد، (١٤٥٣ق)، مناقب على بن ابى طالب، تهران: المكتبة الاسلامية.
٢١. ابن منظور، محمد بن مكرم، (١٤١٤ق)، لسان العرب، بيروت: دار صادر.



٢٢. ابوريه، محمود، (بى تا)، أضواء على السنة المحمدية أو دفاع عن الحديث، قم: نشر البطحاء.
٢٣. ابوحيان آندلسى، محمد بن يوسف، (١٤٢٠ق)، البحر المحيط فى التفسير، بيروت: دار الفكر.
٢٤. ابونعيم اصفهانى، احمد بن عبدالله، (١٤٠٦ق)، النور المشتعل من كتاب ما نزل من القرآن فى على ﷺ، تصحيح محمد باقر محمودى، تهران: منشورات مطبعة وزارة الارشاد الاسلامى.
٢٥. الأمين، السيد محسن، (١٤٠٣ق)، أعيان الشيعة، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
٢٦. ايجى، عضدالدين عبدالرحمن، (١٤١٧ق)، المواقف، بيروت: دار الجيل.
٢٧. آغايزرگ طهرانى، محمد حسين، (١٣٧٢ش)، طبقات اعلام الشيعة، تحقيق: على نقى منزوى، قم: اسماعيليان.
٢٨. آلوسى، شهاب الدين محمود بن عبدالله، (١٤١٥ق)، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٢٩. بغدادى، على بن محمد بن ابراهيم، (١٣٧٤ق)، تفسير خازن: لباب التأويل فى معانى التنزيل، قاهره: مطبعة الاستقامة و مكتبة التجارية.
٣٠. بغوى، حسين بن مسعود، (١٤٢٠ق)، معالم التنزيل فى تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٣١. بياضوى، عبدالله بن عمر، (١٤١٨ق)، أنوار التنزيل و أسرار التأويل، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٣٢. تفتازانى، سعدالدين مسعود، (١٤٠١ق)، شرح المقاصد فى علم الكلام، لاهور: دار المعارف النعمانية.
٣٣. جرجانى، مير سيد شريف، (١٣٢٥ق)، شرح المواقف، قم: الشريف الرضى.
٣٤. جزرى، محمد، (١٤٢٧ق)، غاية النهاية فى طبقات القراء، بيروت: دار الكتب العلمية.
٣٥. جصاص، احمد بن على، (١٤٠٥ق)، احكام القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٣٦. جوينى، ابراهيم بن محمد، (١٤٠٠ق)، فرائد السمطين فى فضائل المرتضى والبتول والسبطين والائمة من ذريتهم، بيروت: مؤسسه المحمودى.
٣٧. حاكم حسانى، عبداالله بن عبدالله بن احمد، (١٤١١ق)، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى.
٣٨. خطيب خوارزمى، موفق بن احمد، (١٤١٤ق)، المناقب، قم: مؤسسه النشر الاسلامى.
٣٩. ذهبى، محمد بن احمد، (١٣٩٦ق)، التفسير والمفسرون، قاهره: دار الكتب الحديثه.
٤٠. \_\_\_\_\_، (١٤٠٩ق)، تاريخ الإسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، بيروت: دار الكتاب العربى.
٤١. \_\_\_\_\_، (١٤٢٧ق)، سير اعلام النبلاء، قاهره: دار الحديث.
٤٢. \_\_\_\_\_، (١٤٢٨ق)، تذكرة الحفاظ، بيروت: دار الكتب العلمية، دار الكتب العلميه، منشورات محمد على بيضون.
٤٣. زرکشى، بدرالدين محمد بن بهادر بن عبدالله، (١٤١٩ق)، النكت على مقدمة ابن الصلاح، رياض: مكتبة أضواء السلف.
٤٤. زمخشرى، محمود بن عمر، (١٤٠٧ق)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التأويل، بيروت: دار الكتاب العربى.



٤٥. سمرقندی، نصر بن محمد، (١٤١٦ق)، بحر العلوم (تفسیر سمرقندی)، بیروت: دار الفکر.
٤٦. سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، (١٣٩٦ق)، طبقات المفسرین العشرین، قاهره: مكتبة وهبة.
٤٧. \_\_\_\_\_، (١٤٠٤ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
٤٨. \_\_\_\_\_، (١٤٢١ق)، الحاوی للفتاوی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
٤٩. \_\_\_\_\_، (بی تا)، لباب النقول فی اسباب النزول، بیروت: دار احیاء العلوم.
٥٠. شاکر، احمد محمد، (١٤٢٦ق)، عمده التفسیر عن الحافظ ابن کثیر مختصر تفسیر القرآن العظیم، اسکندریه: دار الوفا.
٥١. الشوکانی، محمد بن علی بن محمد، (١٩٧٣م)، نیل الأوطار من أحادیث سید الأخیار شرح منتقى الأخبار، دار بیروت: دار الجیل.
٥٢. صفدی، صلاح الدین، (١٤٢٠ق)، الوافی بالوفیات، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٥٣. الصنعانی الأمیر، محمد بن اسماعیل، (١٣٧٩ق)، سبل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحکام، تحقیق: محمد عبدالعزیز الخولی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٥٤. طباطبائی، سید محمد حسین، (١٣٩٠ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
٥٥. طبری، محب الدین احمد بن عبدالله، (١٤٢٤ق)، الرياض النضرة فی مناقب العشرة، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
٥٦. طبری، محمد بن جریر، (١٤١٢ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
٥٧. فخر رازی، محمد بن عمر، (١٤٢٠ق)، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٥٨. قاسمی، جمال الدین، (١٤٢٧ق)، قواعد التحديث من فنون مصطلح الحدیث، بیروت: دار النفائس.
٥٩. قاضی شوشتری، سید نورالله بن شریف الدین، (بی تا)، مجالس المؤمنین، تهران: اسلامیه.
٦٠. قرطبی، محمد بن احمد، (١٣٦٤ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
٦١. قفاری، ناصر بن عبدالله، (١٤١٥ق)، اصول مذهب الشیعة الامامية الاثني عشرية، ریاض: بی نا.
٦٢. قندوزی، سلیمان، (١٤١٦ق)، ینایع المودة، قم: دار الأسوة للطباعة والنشر.
٦٣. متقی هندی، علی بن حسام الدین، (١٤٠١ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت: مؤسسه الرسالة.
٦٤. مزی، یوسف، (١٤٠٢ق)، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، بیروت: مؤسسه الرسالة.
٦٥. نسفی، عبدالله بن احمد، (١٣٦٧ش)، تفسیر نسفی؛ مدارک التنزیل و حقائق التأویل، تهران: انتشارات سروش.
٦٦. نیشابوری، محمد بن عبدالله الحاکم، (١٣٩٧ق)، معرفه علوم الحدیث، بیروت: دار الکتب العلمیة.
٦٧. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، (١٤١٦ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.



## ب) مقاله

۱. حکیم‌باشی، حسن، (۱۳۷۴ش)، «سبب شأن نزول آیه ولایت»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱، ش ۲، پیاپی ۲، ص ۸۷-۱۲۴.
۲. سعدی، احمد و قاسمی، ابوالفضل، (۱۳۹۴ش)، «تعارض نظر ابن تیمیّه با نظرات علمای اهل سنت در شأن نزول آیه ولایت»، سلفی پژوهی، سال اول، ش ۱، ص ۲۵-۴۴.
۳. مرتضوی، سید محمد، (۱۳۸۴ش)، «بررسی روایان شأن نزول آیه ولایت»، الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، ش ۷، ص ۱۶۱-۱۷۱.
۴. نجارزادگان، فتح‌الله، (۱۳۸۱ش)، «بازخوانی مدارک و اسناد شأن نزول آیه ولایت»، طلوع، ش ۱، ص ۴۳-۶۳.



